



یادداشت

بهادر نوکنده
کارشناس مسائل استراتژیک

از «نیره» تا «آلاء صالح»؛ سربازان نامرئی جنگ شناختی

در ظاهر، داستان‌ها متفاوت اند: یکی دختری پانزده ساله از کویت با چشمانی اشک‌بار در کنگره آمریکا، دیگری زنی سفیدپوش بر بام خودرو در خارطوم، اما در عمق ماجرا، هر دو حلقه‌ای از زنجیره‌ای واحدند: زنجیره‌ای که به اتاق‌های فکر و عملیات‌روانی واشنگتن ختم می‌شود. ایالات متحده از دهه ۹۰ میلادی به بعد، در طراحی بحران‌های مصنوعی و مهندسی افکار عمومی، پروژه‌ای را با محوریت «زنان رسانه‌ای» پیش برده است؛ زنانی که چهره مظلوم، صدای آزادی‌خواه و تصویری احساسی دارند، اما در واقع، ابزار جنگ نرم‌اند. پاییز ۱۹۹۰ عراق، کویت را اشغال کرده بود و آمریکا به بهانه دفاع از آزادی، به دنبال مشروعیت جهانی برای مداخله نظامی بود.

در همین زمان، دختر نوجوانی با نام «نیره» در برابر کنگره آمریکا نشست و با گریه گفت: سربازان عراقی نوزادان کویتی را از دستگاه انکوباتور بیرون کشیدند تا بمیرند. همین صحنه، که بارها از شبکه‌های تلویزیونی آمریکا پخش شد، افکار عمومی را به آتش کشید.

اما یک سال بعد نیویورک تایمز فاش کرد نیره، نه قربانی، بلکه دختر سفیر کویت در واشنگتن واز خاندان حاکم بوده است. سناریو توسط شرکت روابط عمومی آمریکایی «هیل اندنولتن» طراحی شده بود تا حمایت مردم آمریکا برای ورود به جنگ را جلب کند. به بیان ساده‌تر، اشک‌های نیره سوخت موتور «عملیات طوفان صحرا» شد. سه دهه بعد، سودان؛ دختری به نام «آلاء صالح» در لباس سفید، با داستان برافراشته، بر سقف خودرو ایستاده است. رسانه‌های غربی فوراً او را «ملکه انقلاب» و «نماد آزادی» نامیدند، اما پایان این نمایش، تلخ‌تر از آغازش بود. سودان پس از سقوط عمر البشیر، نه تنها به دموکراسی نرسید بلکه درگیر جنگ داخلی و فروپاشی اقتصادی شد. آلاء صالح نیز سال‌ها بعد در انگلستان، جایزه «هیلاری کلینتون برای پیشرفت زنان» را گرفت؛ همان‌گویی که از نیره تا آنگ سان سوچی تکرار شد: خلق قهرمان زن، تحریک احساسات، آشوب داخلی و در نهایت، جایزه غربی‌ها. پرونده نیره و آلاء صالح نشان می‌دهد واشنگتن برای مداخله در کشورها دیگر نیازی به تانک ندارد؛ کافی است یک چهره زنانه با داستانی احساسی بسازد. ابزارها تغییر کرده‌اند، اما الگویی است. ۱- طراحی چهره مظلوم با تمرکز بر زنان یا کودکان ۲- تولید موج رسانه‌ای جهانی از طریق شبکه‌های خبری و فضای مجازی ۳- جهت‌دهی به افکار عمومی داخلی و خارجی برای مشروع سازی دخالت سیاسی یا نظامی ۴- تبدیل پروژه به اسطوره با جایزه، مستند و کتابت ۵- کنترل پساجنگ یا پسا آشوب توسط مشاوران و NGOهای غربی.

پشت پرده پروژه «زنان مأموریت‌دار» را اگر با نگاه امنیتی و اطلاعاتی باز کنیم، با شبکه‌ای پیچیده از عملیات روانی، مهندسی ادراک و طراحی چهره مواجه می‌شویم که هدف آن چیزی جز بازتعریف معانی مقاومت و مظلومیت در ذهن توده‌ها نیست. نیره، آلاء صالح و ده‌ها چهره مشابه، نه شخصیت‌های تصادفی بلکه محصولات یک اتاق فکر جهانی اند؛ محصولاتی که در آزمایشگاه رسانه‌ای غرب طراحی و در زمان مناسب، برای تحریک عاطفی ملت‌ها به میدان فرستاده می‌شوند. ساختار این سناریو بر پایه سه محور است: «هویت نمایشی»، «کنترل روایت» و «تسخیر عواطف جمعی». ابتدا چهره‌ای ساخته می‌شود که به لحاظ بصری، احساس‌همدری برانگیزد؛ سپس با پمپاژ خبری و پوشش گسترده رسانه‌های غربی، او از فردی گمنام به نماد آزادی تبدیل می‌شود. در گام بعد، روایت رسمی جای خود را به روایت احساسی می‌دهد و درست در همین نقطه، حقیقت دفن می‌شود. هدف واشنگتن از این نوع پروژه‌ها، کسب مشروعیت برای مداخله، تغییر ساختارهای سیاسی و شکل دادن به نظم مطلوب خود است، اما از مسیر غیرنظامی و نامرئی. جنگ نرم امروز با گلوله و تانک پیش نمی‌رود؛ با دوربین، تیترواشک هدایت می‌شود. نیره با گریه خود راه جنگ خلیج فارس را هموار کرد و آلاء صالح با فریادش زمینه فروپاشی سودان را فراهم آورد. در هر دو پرونده، خروجی یکی بود: بی‌ثباتی، تفرقه و سلطه مجدد غرب با چهره‌ای انسانی. از منظر اطلاعاتی، این پروژه‌ها نمونه کلاسیک از عملیات ادراکی اند؛ عملیاتی که در آن دشمن به جای مقابله مستقیم، ذهن و احساسات جامعه هدف را اشغال می‌کند. این زنان، در حقیقت «سربازان نامرئی جنگ شناختی» هستند؛ چهره‌هایی که به جای اسلحه، از احساس و تصویر برای نفوذ استفاده می‌کنند. شعارشان آزادی است، اما نتیجه‌شان اسارت ذهنی ملت‌ها. پشت لبخندشان اتاق فکریایی نشست‌اند که هر قطره اشک را به ابزار فشار ژئوپلیتیکی بدل می‌کنند. در نهایت، پروژه «زن مظلوم» نه دفاع از زن، بلکه سوءاستفاده از زن است. آن‌ها «ابزار ادراکی» در میدان نبردهی هستند که جغرافیا ندارد و هدفش تغییر ذهن ملت‌هاست. از نیره تا آلاء صالح، از کویت تا خارطوم، یک حقیقت واحد جریان دارد: هر جا غرب تصویر زنی را جهانی می‌کند، آنجا باید انتظار عملیات روانی و مهندسی افکار عمومی را داشت. این گونه، واشنگتن با چهره‌ای انسانی، همان کاری را می‌کند که روزی با بمب و موشک انجام می‌داد – فقط این بار با ظرافت، لیخنه و نور فلاش دوربین.

خبر

وزیر خارجه تأکید کرد

مذاکره، فقط درباره مسائل هسته‌ای

آرش خلیل‌خانه | وزیر خارجه کشورمان مواضع جمهوری اسلامی، موضوعات منطقه‌ای و موشکی را شفاف و روشن دانست و در خصوص مذاکره با آمریکا گفت: اگر احیاناً مذاکراتی رخ دهد، فقط در خصوص مسائل هسته‌ای خواهد بود.

سید عباس عراقچی در حاشیه جلسه دیروز هیئت دولت با حضور در جمع خبرنگاران، با بیان آنکه مذاکرات ایران و عمان هر شش ماه یکبار در تهران و مسقط برگزار می شود، گفت: آمریکا همیشه بحث‌های موشکی و منطقه‌ای را برای مذاکره با ما مطرح کرده است اما مواضع ما کاملاً شفاف و روشن بوده است و اگر احیاناً مذاکراتی رخ دهد، فقط در خصوص مسائل هسته‌ای خواهد بود.



یادداشت

حسن بهشتی‌پور
کارشناس ارشد مسائل سیاسی

منافع جناحی بر منافع ملی سایه انداخته است

در کشور ما متأسفانه بهانه کم نیست؛ هر روز سوزهای تازه برای آن دسته از جریان‌های سیاسی که ترجیح می‌دهند خط‌وربط جناحی خود را بر مصالح ملی مقدم بدانند. گاهی این سوز، ماجراجری در مجلس است، روزی دیگر تصمیم یا پرونده‌ای در قوه قضائیه و زمانی هم موضوعی مرتبط با شورای نگهبان یا مجمع تشخیص مصلحت نظام. در عمده این موارد، هدف اصلی از نگاه جامعه نه دفاع از مردم، بلکه پیشبرد اهداف جناحی و رسانه‌ای است.

نماینده‌ای به یک پرونده قضایی اشاره می‌کند و مدعی می‌شود «اگر عدالت بود...» آیا این جفا در حق دستگاه قضا نیست؛ ولو این جمله در حمایت از عدالت یا شفافیت یا... بیان شده باشد.

برای آنان که دلسوز کشورند، روشن است که منافع ملی خط قرمز است؛ کسی که واقعاً دغدغه مردم را دارد، هرگز حاضر نیست با برجسته‌سازی‌های مغرضانه یا بازی با احساسات عمومی، نظام را تضعیف کند. اما در مقابل، عده‌ای در شرایط گوناگون سعی کرده‌اند از هر فرصت و سوزهای، حتی از بخش خصوصی یا شرکت‌های خصولتی، نرزدانی برای منافع سیاسی خود بسازند. وقتی اولویت‌ها از «ملت» به «جناح» تغییر کند، خروجی چیزی جز اختلاف‌افکنی، بزرگ‌نمایی حاشیه‌ها و فریب افکار عمومی نخواهد بود. تجربه نشان داده این مسیر، نه به اصلاح می‌انجامد و نه به اعتماد مردم، بلکه در نهایت موجب تضعیف پایه‌های همان نظامی می‌شود که همه زیر سایه آن زندگی می‌کنیم.

گزارش خبری

رئیس مجلس شورای اسلامی در پاکستان بر اهمیت روابط راهبردی دو کشور تأکید کرد

برای ما که همسایه هستیم

تجاری، سیاسی و امنیتی متمرکز است که این هماهنگی‌ها چه در روابط دو جانبه و چه در موضوعات مهم منطقه‌ای، برای ما که همسایه هستیم، از اهمیت بالایی برخوردار است.
قالیلیاف سپس به دیدار ایاز صادق، رئیس مجلس ملی پاکستان رفت که نخستین برنامه، از مجموع برنامه‌های سفر او است. دیدار با رئیس مجلس سنای پاکستان از دیگر برنامه‌های قالیلیاف در پاکستان است.
رئیس مجلس شورای اسلامی پیش از سفر با اشاره به مواضع پاکستان پس از جنگ ۱۲ روزه سال جاری، گفت: مردم، پارلمان و دولت پاکستان در حمایت از جمهوری اسلامی ایران در تمامی ابعاد، مواضع شفاف و پایداری اتخاذ کردند که شایسته قدردانی و تشکر است. وی در بخش دیگری از سخنانش تأکید کرد: در



یادداشت

محمد ولیان‌پور

کدام تجزیه؟

«تجزیه کشورهای منطقه» گزاره مشهوری است که سال‌هاست در افواه قریب به اتفاق سیاست‌پون، اعم از مدیران وتحلیل‌گران و حتی عوام جامعه تکرار می‌شود. اینکّه دشمن به دنبال تجزیه کشورهای منطقه است؛ از ایران و عراق و سوریه بگیرد تا عربستان و ترکیه و حتی کشورهای کوچکی مثل لبنان. آخرین تحلیل از این دست را سردار غلامرضا سلیمانی، رئیس سازمان بسیج مستضعفین در مراسم ۱۱۳ آبان داشت که با یادآوری سیاست‌های استعمار قدیم، یعنی انگلستان و روسیه تزاری در جدا کردن بخش‌هایی از کشور، سیاست آمریکا درباره ایران را «تضعیف و تجزیه کشور» دانسته بود. در اینکّه دشمن روی شکاف‌های قومیتی دست گذاشته و از این فرصت هم مثل هر فرصتی برای ضرب زدن به کشورها استفاده می‌کند شکی نیست؛ ولی آیا واقعاً به دنبال تحقق تجزیه است؟ منطقه ماطی قرن اخیر تحت نفوذ عمیق قدرت‌های شرقی و غربی بوده و منازعات ننگینی هم با استعمار و رژیم دست‌نشانده آن‌ها، یعنی اسرائیل داشته، اما هر بار با وجود مشتعل شدن جنگ‌های داخلی، وقوع انقلاب‌ها و کودتاها و حتی دخالت نظامی خارجی، گرچه بعضاً تا خودمختاری محدود هم پیش رفته‌اند، ولی هیچ گاه تجزیه را تجربه نکرده‌اند. افغانستان، عراق، سوریه، لیبی، یمن و لبنان با وجود اشغال نظامی توسط قدرت‌های خارجی و جنگ‌های بلندمدت داخلی، هیچ گاه به این نقطه نرسیدند و ایران،

پرونده‌های فساد همچنان بستری است برای مجادله‌های سیاسیون؛

آن‌هم در برابر چشم نگران جامعه

سوهان کشیدن بر افکار عمومی

بازسازی کرده است و در مقابل برخی محکومان اقتصادی نیز با ادبیاتی زنده نماینده مجلس را تهدید می‌کنند. در چنین فضایی، پرسش مهمی مطرح می‌شود: حد و مرز عدالت‌خواهی، سیاست‌ورزی و مراقبت از ارکان نظام کجاست؟ آیا می‌توان به نام شفافیت یا مبارزه با فساد، زمینه تضعیف نهادهای اصلی کشور را فراهم کرد یا نماینده مجلس را تهدید کرد؟

برای واکاوی این مسئله، روزنامه قدس دیدگاه سه کارشناس مسائل سیاسی را جویا شده است. آنچه در ادامه می‌خوانید همین دیدگاه‌هاست.

یادداشت

محمدکاظم انبارلویی
کارشناس مسائل سیاسی



مسیر پاک‌سازی حکمرانی از قوه قضائیه می‌گذرد

پرونده‌های فساد در دستگاه قضایی باید با دقت و شدت بررسی شده و مجازات‌های لازم برای مفسدان اعمال شود؛ چرا که مبارزه با فساد در سطح حکمرانی، یک اصل اساسی و نمادپاکی و پاکیزگی به شمار می‌رود. تاکنون، قوه قضائیه با رسیدگی به پرونده‌های متعدد، نه تنها مجازات‌های قانونی را اعمال کرده بلکه مسیر پاک‌سازی و شفاف‌سازی در حکمرانی را نیز هموار کرده است و این روند همچنان ادامه دارد.

با این حال، برخی افراد با ادبیاتی تند و به اصطلاح بی‌پروایانه، تلاش می‌کنند نهاد قضایی را هدف انتقاد و حتی توهین قرار دهند. برای نمونه، اظهاراتی مانند آنچه توسط برخی از نمایندگان بیان شد که اگر عدالت در این کشور درست اجرا شده بود، بایک زنجانی امروز اعدام شده بود؟ مستقیماً قوه قضائیه را نشانه گرفته و جفایی است در حق این نهاد. البته در هر قوه و در هر بخشی ممکن است نواقص یا خطاهایی هم وجود داشته باشد اما متهم کردن قوه قضائیه به بی‌عدالتی، با واقعیت‌های عملکرد این نهاد همخوانی ندارد. نقد و انتقاد به ویژه در فضای سیاسی کشور، امری مشروع و لازم برای بهبود حکمرانی است، همچنان که رفتار هتاکانه بایک زنجانی هم در خور برخورد قضایی است. کارنامه مشخص این نهاد در سال‌های اخیر نشان می‌دهد عزم واقعی برای ایجاد حکمرانی پاکیزه و زندگی سالم برای مردم، ثابت و مستمر است.

گزارش خبری

رئیس مجلس شورای اسلامی در پاکستان بر اهمیت روابط راهبردی دو کشور تأکید کرد

برای ما که همسایه هستیم

شرایط کنونی منطقه، همکاری‌های استراتژیک میان کشورهای اسلامی به‌ویژه همسایگان، جایگاه ویژه‌ای دارد. ایران و پاکستان با توجه به همسایگی و روابط تاریخی و تمدنی می‌توانند نقشی مؤثر در امنیت وثبات منطقه ایفا کنند.
رئیس مجلس گفت: به نظرم موضوع رژیم صهیونیستی مسئله مهمی است که باید کشورهای اسلامی به آن توجه کنند. این رژیم به صورت علنی و روشن به کشورهای اسلامی تجاوز می‌کند و قرائن و شواهد نشان می‌دهد دست از تجاوزهای خود برنداشته است و همان سیاست‌هایی که با حمایت آمریکا اجرا می‌شود ادنبال می‌کند. وی همچنین بیان کرد: امیدوارم این سفر در موضوعات سیاسی، امنیتی، اقتصادی و فرهنگی مؤثر باشد.



یادداشت

محمد ولیان‌پور

کدام تجزیه؟

ترکیه، عربستان سعودی، امارات متحده عربی و... با وجود زمینه‌های فراوان قومی، مذهبی و سیاسی و وجود مناقشات یا حتی درگیری‌های طولانی، به این نقطه نزدیک نشده‌اند. این سابقه تاریخی نشان می‌دهد «تجزیه» نمی‌تواند نسخه‌اولیه قدرت‌ها برای کشورهای منطقه باشد. چمسا ترجیح آن‌ها در وهله نخست، عدم تجزیه باشد! کم‌ابینکّه چنین رویکردی را در اشغال افغانستان و عراق و نیز اشغال بخشی از سوریه توسط آمریکا مشاهده می‌کنیم و بنابر بعضی اخبار، شرط آمریکا برای تعامل با طرف‌های سوریه، حفظ یکپارچگی این کشور بوده است. اما همه این‌ها به معنای مخالفت قطعی دشمن با تجزیه نیست! به نظر می‌رسد هدف اصلی رژیم‌های سلطه‌گر غربی در منطقه، کنترل، تضعیف و انقیاد کشورهای منطقه، فارغ از وسعت سرزمینی آن‌ها و تثبیت هژمونی غرب و اسرائیل است و تجزیه و ترکیب آن‌ها صرفاً تاکتیکی برای رسیدن به این هدف خواهد بود. وقتی دشمن بتواند با وعده‌های تهدیدی برای منافع تر یک‌دست‌تر و غیرقابل کنترل‌ی مثل غزه، لبنان و یمن را به همه‌را داشته باشد؟ در حقیقت محوریت با منافع قدرت‌هاست؛ چه با تجزیه و چه بدون تجزیه. چه‌بسا مصر، عربستان، عراق و سوریه پهناور نه تنها تهدیدی برای منافع غرب نباشند، بلکه در خدمت آن‌ها قوت بگیرند؛ ولی واحدهای کوچکی مثل نوار غزه، ضاحیه بیروت و شمال یمن که حتی ماهیت حقوقی پذیرفته شده‌ای هم ندارند، طی دهه‌ها بزرگ‌ترین ضربات وجودی را به رژیم‌ی وارد کنند که از همه جنگ‌ها با کشورهای منطقه پیروز خارج شده است!